



Vol. 12 | Issue. 45 | 2025 |

<https://andishehsiyasi.ri-khomeini.ac.ir>

<https://10.22034/jpti.2025.518681.1448>

## Political Mysticism in the Thought of Mīr Sayyid ‘Alī Hamadānī: A Study on the Aims and Ideal Form of Government

Mohammad Mehdi Naderi

Assistant Professor, Department of Philosophy, Azadshahr Branch, Islamic Azad University, Azadshahr, Iran.  
(Corresponding Author) [MM.Naderi@aiu.ac.ir](mailto:MM.Naderi@aiu.ac.ir)

Mehdi Bideli

PhD Student in Political Science, Department of Political Science, Azadshahr Branch, Islamic Azad University, Azadshahr, Iran. [Mehdi.Bideli@aiu.ac.ir](mailto:Mehdi.Bideli@aiu.ac.ir)

Abdolreza Bay

Assistant Professor, Department of Political Science, Azadshahr Branch, Islamic Azad University, Azadshahr, Iran. [2031613308@aiu.ac.ir](mailto:2031613308@aiu.ac.ir)

Khosrow Mazraei

Assistant Professor, Department of Political Science, Azadshahr Branch, Islamic Azad University, Azadshahr, Iran. [Kh.Mazrai@aiu.ac.ir](mailto:Kh.Mazrai@aiu.ac.ir)

Article Info	Abstract
<p><b>Article Type:</b> Research Article</p> <p><b>Received:</b> 2025/ 09 /03</p> <p><b>Revised:</b> 2025/ 09 /27</p> <p><b>Accepted:</b> 2025/ 10 /01</p> <p><b>Published Online:</b> 2025/ 10 /22</p>	<p>This study, posing the central question “What is the place of political mysticism in the thought of Mir Seyyed Ali Hamadani, and what model does he offer for an ideal government?”, examines the relationship between spirituality and politics in his works. The necessity of this research lies in the fact that, although numerous studies have addressed Hamadani’s mystical and ethical dimensions, the political and social aspects of his thought have been less systematically explored. The research employs a qualitative approach based on content analysis of his two key works, Zakhireh-ye Moluḳ and Sab’īn, alongside historical and contemporary studies. The findings indicate that Hamadani regards politics as part of the path of divine knowledge and portrays the ruler as the “trustee of the people and a seeker of the path of truth.” The objectives of an ideal government, from his perspective, include the realization of social justice, provision of welfare and development, expansion of security, promotion of ethics and spirituality, and strengthening of social cohesion. Thus, mysticism in Hamadani’s thought is not a marginal aspect but the foundation of political legitimacy and stability. Revisiting this model may inspire the design of ethical and people-centered governance in contemporary contexts.</p> <p><b>Keywords:</b> Mīr Sayyid ‘Alī Hamadānī; political mysticism; aims of government; ideal government; social justice; ethical governance; Sufi political thought.</p>



دوره ۱۲ | شماره ۴۵ | پاییز ۱۴۰۴

<https://doi.org/10.22034/jpti.2025.549929.1454>

<https://andishehsiyasi.ri-khomeini.ac.ir>

## عرفان سیاسی از نگاه میر سید علی همدانی از منظر اهداف حکومت و حکومت مطلوب

محمد مهدی نادری <sup>1b</sup>

استادیار گروه فلسفه، واحد آزادشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، آزادشهر، ایران. (نویسنده مسئول) [MM.Naderi@iau.ac.ir](mailto:MM.Naderi@iau.ac.ir)

مهدی بیدلی <sup>1b</sup>

دانشجوی دکتری رشته علوم سیاسی، گروه علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی، آزادشهر، ایران. [Mehdi.Bideli@iau.ac.ir](mailto:Mehdi.Bideli@iau.ac.ir)

عبدالرضا بای

استادیار گروه علوم سیاسی، واحد آزادشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، آزادشهر، ایران. [iauir@2031613308](mailto:iauir@2031613308)

خسرو مزرعی

استادیار گروه علوم سیاسی، واحد آزادشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، آزادشهر، ایران. [Kh.Mazrai@iau.ac.ir](mailto:Kh.Mazrai@iau.ac.ir)

چکیده	اطلاعات مقاله	
<p>نسبت میان عرفان و سیاست از مباحثی است که در اندیشه اسلامی کمتر مورد کاوش قرار گرفته است. میر سید علی همدانی، عارف و متفکر سده هشتم هجری، از معدود شخصیت‌هایی است که کوشید معنویت را با سامان اجتماعی و سیاسی پیوند دهد. با وجود پژوهش‌های متعدد درباره ابعاد عرفانی و اخلاقی او، بُعد سیاسی اندیشه وی کمتر به صورت نظام‌مند بررسی شده است. پژوهش حاضر با طرح این پرسش اصلی که «عرفان سیاسی در اندیشه همدانی چه جایگاهی دارد و چه الگویی از حکومت مطلوب ارائه می‌کند؟» در پی تبیین مؤلفه‌های عرفان سیاسی و تبیین مبانی نظری حکومت اخلاق‌مدار از منظر اوست. این مطالعه با رویکرد کیفی و بر پایه تحلیل محتوای دو اثر کلیدی همدانی، ذخیره‌الملوک و سبعین، انجام شده و از منابع تاریخی و مطالعات معاصر نیز برای تفسیر مفاهیم بهره گرفته است. یافته‌ها نشان می‌دهد همدانی سیاست را جزئی از سلوک توحیدی می‌داند و حاکم را «امین خلق و سالک طریق حق» معرفی می‌کند. در اندیشه او، حکومت مطلوب نظامی اخلاقی و معنوی است که اهداف آن تحقق عدالت اجتماعی، گسترش رفاه و امنیت، عمران سرزمین، ارتقای اخلاق عمومی و تحکیم همبستگی اجتماعی است. عرفان در نگاه همدانی نه تجربه‌ای فردی، بلکه بنیان مشروعیت و پایداری حکومت است. بازخوانی این الگو در دوران معاصر می‌تواند الهام‌بخش طراحی نظام‌های حکمرانی اخلاق‌مدار و عدالت‌محور باشد.</p>	<p><b>نوع مقاله:</b> پژوهشی</p> <p><b>تاریخ دریافت:</b> ۱۴۰۴/۰۵/۱۲</p> <p><b>تاریخ بازنگری:</b> ۱۴۰۴/۰۶/۰۳</p> <p><b>تاریخ پذیرش:</b> ۱۴۰۴/۰۶/۰۹</p> <p><b>انتشار آنلاین:</b> ۱۴۰۴/۰۷/۳۰</p> <p><b>صفحات:</b> ۱۶۶-۱۴۳</p>	
	<p><b>کلیدواژه‌ها:</b> میرسیدعلی همدانی، عرفان سیاسی، حکومت مطلوب، عدالت اجتماعی، حکمرانی اخلاق‌مدار.</p>	

## مقدمه

میر سید علی همدانی (۷۸۶-۷۱۴ ق) از برجسته‌ترین عارفان و اندیشمندان سده هشتم هجری است و در تاریخ تصوف ایران و جهان اسلام نقشی ممتاز دارد (زرین کوب، ۱۳۸۲، ج ۲، ص. ۲۴۳). او در همدان زاده شد و در نوجوانی به فراگیری علوم دینی، فقه، تفسیر، حدیث و آداب سلوک نزد استادان برجسته زمان پرداخت (همایی، ۱۳۸۴، ص. ۱۷۹). همدانی پس از مراحل نخستین آموزش، به خراسان و ماوراءالنهر رفت و از محضر مشایخ کبرویه، به‌ویژه علاءالدوله سمنانی، بهره برد. زندگی او سرشار از سفرهای علمی و اجتماعی بود؛ وی چندین بار به حرمین شریفین و شام سفر کرد و سپس رهسپار کشمیر شد، جایی که به ارشاد معنوی، سامان‌دهی اجتماعی و گسترش صنایع بومی پرداخت و به‌عنوان «شاه همدان» شناخته شد (Nasr, 1996, p. 118) حضور او در کشمیر موجب رونق فرهنگ اسلامی، رشد هنر شال‌بافی و تقویت روحیه خدمت عمومی گردید (Rafiqi, 2003, p. 61).

همدانی بیش از صد اثر به زبان‌های فارسی و عربی نگاشت که در میان آن‌ها *ذخیره الملوک*، *سبعین*، *کنزالدقائق* و مجموعه‌ای از رسائل عرفانی و اخلاقی از جایگاهی ویژه برخوردار است. درگذشت او در کولاب تاجیکستان رخ داد و آرامگاهش همچنان محل زیارت دوستان اوست. همدانی با تلفیق معنویت، اخلاق و مسئولیت اجتماعی، نمونه‌ای برجسته از «عارف مصلح» در تمدن اسلامی به شمار می‌آید. آموزه‌های او حلقه‌ای میان سنت‌های کلاسیک تصوف ایرانی و جریان‌های اجتماعی - سیاسی سده هشتم ایجاد کرد. وی در مکتب کبرویه پرورش یافت؛ مکتبی که با تأکید بر «معرفت شهودی» و «تأملات اجتماعی» از دیگر طریقت‌های صوفیانه متمایز می‌شود (زرین کوب، ۱۳۸۲، ج ۲، ص. ۲۵۸). همدانی تعالیم استادانی چون علاءالدوله سمنانی را با تجربه‌های شخصی و نگاه اصلاح‌گرایانه خود در آمیخت و عرفان را از محدوده تجربه فردی فراتر برد و در خدمت سامان اخلاقی و سیاسی جامعه قرار داد (Buehler, 2016, p. 87).

همدانی نه تنها در حلقه‌های صوفیانه، بلکه در گستره تمدن اسلامی تأثیرگذار بود. حضور او در کشمیر، آسیای میانه و شام، عرفان ایرانی را با بسترهای فرهنگی گوناگون پیوند زد و به گسترش اسلام در شبه قاره یاری رساند (Rafiqi, 2003, p. 61) بسیاری از پژوهشگران آثار او را، به‌ویژه *ذخیره الملوک*، از نخستین نمونه‌های ادبیات سیاسی - عرفانی در جهان

اسلام دانسته‌اند؛ اثری که میان اخلاق فردی، عدالت اجتماعی و تدبیر مُلکک پیوندی درونی برقرار می‌کند (همدانی، ۱۳۸۷، ص. ۵۵). از این رو، همدانی را می‌توان «عارف مصلح و سیاست‌نگر» نامید؛ شخصیتی که عرفان را از انزوا بیرون آورد و آن را به ابزاری برای اصلاح جامعه و هدایت حاکمان بدل ساخت (Eaton, 2019, p. 214).

یکی از چالش‌های مهم پژوهش در تاریخ اندیشه اسلامی، تبیین نسبت میان معنویت و سیاست است. بسیاری از عارفان مسلمان بیش از آن که به عرصه اجتماع و حکومت توجه نشان دهند، بر سلوک فردی و تجربه باطنی متمرکز بوده‌اند. در این میان، همدانی جایگاهی متمایز دارد؛ زیرا ضمن پایبندی به سنت تصوف، دغدغه سامان‌بخشی اخلاقی و سیاسی جامعه را نیز دنبال کرده است (زرین کوب، ۱۳۷۹). بدین ترتیب، این پژوهش می‌کوشد نشان دهد که همدانی، همچون عارفی مصلح و سیاست‌نگر، چگونه میان معنویت، اخلاق و سیاست پیوند برقرار کرده و الگویی ماندگار برای حکمرانی اخلاق‌مدار در تمدن اسلامی ارائه داده است.

### ۱. پیشینه تحقیق

مطالعات مرتبط با عرفان سیاسی عمدتاً در دو حوزه اصلی دنبال شده‌اند: نخست عرفان و تصوف و دوم فلسفه سیاسی و اندیشه حکمرانی. در سنت اسلامی، پژوهشگران بسیاری به نقش عارفان در سامان اجتماعی و اصلاح اخلاقی حاکمان پرداخته‌اند. برای نمونه، سید حسین نصر با بررسی پیوند میان معرفت عرفانی و سیاست در تمدن اسلامی نشان می‌دهد که عرفا، از طریق تربیت درونی و زهد اجتماعی، در پایداری نظام اخلاقی جوامع مسلمان نقش بنیادین داشته‌اند. همچنین Buehler (۲۰۱۶) بر سلوک اجتماعی صوفیان ایرانی تأکید می‌کند و بیان می‌دارد بسیاری از آنان عرفان را ابزاری برای تحقق عدالت اجتماعی و تربیت اخلاقی زمامداران می‌دانستند.

در زمینه میر سید علی همدانی، پژوهش‌ها عمدتاً بر آموزه‌های عرفانی، اخلاق فردی و وجوه معنوی آثار او متمرکز بوده‌اند. برای نمونه، همدانی در *ذخیره الملوک* بر مبانی تهذیب نفس، ایمان و عدالت در رفتار فردی تأکید می‌کند. با این حال، پژوهش‌هایی مانند Greenleaf (۲۰۰۲) که به اخلاق و رهبری معنوی پرداخته‌اند، پیوند این آموزه‌ها با

نظریه سیاسی و ساختار حکومت را به صورت نظام مند بررسی نکرده اند. همچنین در ایران، مطالعاتی چون پور غلامعلی (۱۳۹۸) و صفاران و جعفری (۱۳۹۶) به جایگاه عرفان در سیاست توجه داشته اند، اما تحلیلی جامع از نسبت میان عرفان و ساختار قدرت در آثار همدانی ارائه نداده اند. در سال های اخیر، تحقیقات میان رشته ای مانند Eaton (۲۰۱۹) و Lapidus (۲۰۰۲) تلاش کرده اند عرفان سیاسی را در چهارچوب نظریه های معاصر حکمرانی اخلاق مدار تحلیل کنند؛ با این حال، خلأ پژوهشی در بررسی نظام مند اندیشه همدانی از منظر اهداف حکومت، عدالت و رهبری اخلاقی همچنان مشهود است.

بنابراین نوآوری پژوهش حاضر در سه محور خلاصه می شود:

۱. بازخوانی منسجم اندیشه های سیاسی همدانی با تکیه بر آثار اصلی او، به ویژه ذخیره الملوک؛
۲. تحلیل نسبت میان سلوک عرفانی، اخلاق اجتماعی و مشروعیت سیاسی در نظام فکری وی؛
۳. ارائه الگویی مفهومی از «حکومت مطلوب اخلاق مدار» بر پایه آموزه های عرفانی همدانی و مقایسه تطبیقی آن با دیدگاه های عرفای هم دوره.

## ۰۲ روش شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از نظر هدف، بنیادی - نظری و در زمره مطالعات توصیفی - تحلیلی قرار می گیرد. روش تحقیق بر پایه تحلیل محتوای کیفی و مطالعه اسنادی است. داده های اصلی از دو منبع تأمین شده اند:

- منابع اولیه: آثار میر سید علی همدانی، به ویژه ذخیره الملوک (همدانی، ۱۳۸۷، ص. ۵۵)، سبعین و مجموعه رسائل اخلاقی و عرفانی او (همدانی، ۱۳۹۸، ص. ۱۲)؛
- منابع ثانویه: پژوهش های تاریخی، فلسفی و سیاسی در حوزه عرفان اسلامی، سیاست اخلاق مدار و نظریه حکومت عادلانه.

در گام نخست، مفاهیم کلیدی همچون «عرفان سیاسی»، «رهبری اخلاقی» و «حکومت مطلوب» از متون اصلی استخراج و طبقه بندی شدند. سپس با بهره گیری از روش تحلیل مضمون، محورهای مفهومی شناسایی گردید (Braun & Clarke, 2006, p. 79). در مرحله

بعد، داده‌ها بر اساس چهارچوب نظری پژوهش - شامل چهار محور عرفان سیاسی، سلوک فردی، اهداف حکومت و کاربست آن‌ها در حکمرانی اخلاق‌مدار - کدگذاری و با رویکرد تفسیری تحلیل شدند.

برای آزمون فرضیه‌ها و اعتبار نتایج، سه راهبرد تحلیلی به کار گرفته شد:

۱. تحلیل درون‌متنی: بررسی مستقیم گزاره‌های سیاسی و اخلاقی در آثار همدانی و استخراج مفاهیم حکمرانی از دل آن‌ها؛
۲. تحلیل میان‌متنی: مقایسه اندیشه‌های همدانی با سایر متفکران هم‌عصر، به‌ویژه علماء‌الدوله سمنانی و غزالی، به‌منظور تعیین تمایز دیدگاه او؛
۳. تحلیل تطبیقی: بررسی ظرفیت‌های نظری اندیشه همدانی برای الهام‌بخشی به الگوهای معاصر حکمرانی اخلاق‌مدار.

برای اطمینان از روایی و پایایی تحلیل، از روش اعتبارسنجی استنادی و بازبینی نظری استفاده شد (Lincoln & Guba, 1985, p. 314). به این معنا که نتایج تفسیری با منابع دست اول و دیدگاه‌های شارحان معتبر تطبیق داده شد تا از صحت معنایی مفاهیم اطمینان حاصل شود.

### ۳. یافته‌های تحقیق

تحلیل محتوای آثار همدانی، به‌ویژه *ذخیره‌الملوک* و *سبعین*، نشان می‌دهد که اندیشه سیاسی او بر پیوند میان عرفان، اخلاق و تدبیر اجتماعی استوار است. یافته‌ها را می‌توان در چهار محور اصلی خلاصه کرد:

۱. **عرفان به‌مثابه بنیان مشروعیت سیاسی:** در نظام فکری همدانی، عرفان صرفاً تجربه‌ای فردی یا زاهدانه نیست، بلکه زیربنای مشروعیت حکومت و سامان جامعه است. وی در *ذخیره‌الملوک* می‌نویسد: «پادشاه آنگاه به‌حق است که دل او به عدل و رحمت آباد باشد» (همدانی، ۱۳۸۷، ص. ۴۷). به باور او، مشروعیت قدرت زمانی پایدار است که بر پایه تزکیه نفس، صدق نیت و خدمت به خلق شکل گیرد. این نگرش، الگوی جدیدی از پیوند عرفان و سیاست ارائه می‌دهد که در آن معرفت درونی سرچشمه اقتدار بیرونی است.
۲. **رهبری اخلاقی و تهذیب نفس به‌عنوان معیار زمامداری:** همدانی زمامدار را «امین خلق

و سالک طریق حق» می‌خواند (همدانی، ۱۳۹۸، ص. ۵۶). در اندیشه او، میان تهذیب اخلاقی و شایستگی سیاسی رابطه‌ای مستقیم وجود دارد. ویژگی‌هایی مانند عدالت، حلم، تواضع و خدمت‌گزاری نه صفات تزئینی، بلکه ارکان حکومت مشروع هستند. در این چهارچوب، رهبری از جنس فرمانروایی نیست، بلکه «خدمت معنوی» برای هدایت و رشد جامعه است (Nasr, 1996, p. 152). این دیدگاه هم‌راستا با نظریه «رهبری اخلاقی» در فلسفه سیاسی معاصر است که بر پایه تقوا، مسئولیت‌پذیری و خیر عمومی تعریف می‌شود (Ciulla, 2014, p. 23).

**۳. اهداف حکومت مطلوب: عدالت، رفاه و کرامت انسانی:** در آثار همدانی، حکومت مطلوب سه هدف بنیادین دارد: تحقق عدالت اجتماعی و رفع ظلم، ایجاد امنیت و رفاه عمومی، پرورش فضایل اخلاقی در مردم. او تصریح می‌کند: «ملوک را باید دل در عدل و نظر در خلق باشد تا ملک پایید» (همدانی، ۱۳۸۷، ص. ۸۳). به باور وی، عدالت نه تنها ضامن بقای حکومت بلکه مایه قرب الهی است. این نگاه نشان می‌دهد که از دید همدانی، کارآمدی سیاسی بدون بنیاد اخلاقی و روح عدالت، فاقد معنا و دوام است (Lapidus, 2002, p. 147).

**۴. سیاست به مثابه خدمت عمومی:** همدانی سیاست را عرصه‌ای برای جلب منفعت مردم و اصلاح اخلاق عمومی می‌داند. او تأکید دارد: «قدرت، امانتی الهی است و حاکم جز به خدمت خلق، در آن مأذون نیست» (همدانی، ۱۳۹۸، ص. ۷۴). در این معنا، غایت سیاست نه انباشت قدرت، بلکه پرورش انسان است و سیاست ابزار تحقق ارزش‌های عرفانی و اخلاقی در سطح جامعه تلقی می‌شود.

**۵. پیوند عرفان و حکمرانی اخلاق‌مدار در جهان معاصر:** یافته‌های تطبیقی پژوهش نشان می‌دهد بسیاری از مؤلفه‌های اندیشه همدانی، از جمله تأکید بر صداقت، عدالت و مسئولیت اجتماعی، قابلیت ترجمه به زبان حکمرانی اخلاق‌مدار در دنیای امروز را دارند. عرفان در این چهارچوب نقش هدایتی و تصحیح‌کننده دارد، یعنی مانع انحراف قدرت از مسیر عدالت و خیر عمومی می‌شود (Eaton, 2019, p. 215).

در مجموع، یافته‌ها نشان می‌دهند که عرفان سیاسی در اندیشه همدانی الگویی از حکومت اخلاق‌مدار ارائه می‌کند که در آن: مشروعیت قدرت از معنویت برمی‌خیزد؛ رهبری با تهذیب نفس گره می‌خورد؛ عدالت مبنای پایداری نظام است؛ سیاست عرصه‌ای برای خدمت و رشد انسان و جامعه است.

#### ۴. ضرورت پژوهش در افکار میر سید علی همدانی

بررسی اندیشه‌های همدانی اهمیت ویژه‌ای دارد، زیرا او در تاریخ عرفان اسلامی پلی میان معنویت، اخلاق و سامان اجتماعی ایجاد کرده است. در بسیاری از متون کلاسیک تصوف، تمرکز اصلی بر سلوک فردی و تجربه باطنی است؛ اما همدانی با نگرارش آثاری همچون *ذخیره‌الملوک*، عرفان را به عرصه سیاست و مدیریت جامعه پیوند داد و بدین طریق بُعد اجتماعی عرفان اسلامی را گسترش بخشید (همدانی، ۱۳۸۷، ص. ۲۴). پژوهش در آثار و اندیشه‌های او به ما کمک می‌کند تا ارتباط میان عرفان، اخلاق و سیاست در تاریخ اسلامی را بهتر درک کنیم.

تحلیل اندیشه او می‌تواند چشم‌اندازی روشن از نسبت میان عرفان، اخلاق و حکومت در سنت اسلامی فراهم آورد و در غنای مباحث نظری مربوط به «عرفان سیاسی» نقش ایفا کند (زرین کوب، ۱۳۸۲، ج ۲، ص. ۲۴۹). میراث فکری همدانی در زمینه عدالت اجتماعی، اخلاق عمومی و هدایت سیاسی، پاسخی بومی به پرسش‌های بنیادین درباره مشروعیت، عدالت و غایت قدرت در جوامع اسلامی است (عابدی، ۱۳۹۵، ص. ۵۸).

در شرایطی که مباحث مربوط به نسبت دین، اخلاق و سیاست در کانون توجه اندیشمندان قرار گرفته است، بازخوانی افکار همدانی می‌تواند الگویی کارآمد برای تلفیق ارزش‌های معنوی با الزامات حکمرانی اخلاق‌مدار عرضه کند (Nasr, 1996, p. 147)؛ علاوه بر این، بسیاری از آثار همدانی هنوز به تصحیح انتقادی و تحلیل تطبیقی نیاز دارند. پژوهش‌های جدید می‌توانند جایگاه او را در میان متفکران هم‌عصر و تأثیرش بر طریقت‌های پس از خود روشن‌تر کنند.

چنین مطالعاتی نه تنها به تکمیل تاریخ‌نگاری تصوف ایرانی یاری می‌رساند، بلکه نقش عارفان را در شکل‌دهی به تحولات اجتماعی و سیاسی جوامع اسلامی آشکار می‌سازد (همایی، ۱۳۸۴، ص. ۲۲۱). بدین ترتیب، اندیشه همدانی اهمیت دارد، زیرا نشان می‌دهد عرفان اسلامی ذاتاً ظرفیت نظری برای ارائه الگوهای عدالت، اخلاق و توسعه اجتماعی دارد؛ ظرفیتی که در جهان معاصر نیز می‌تواند الهام‌بخش سیاست‌گذاری اخلاقی و معنوی باشد. بازخوانی انتقادی افکار همدانی گامی ضروری برای درک ابعاد اجتماعی عرفان اسلامی و تبیین نظریه‌های بومی در باب اخلاق و سیاست محسوب می‌شود.

در نهایت، مطالعه افکار همدانی از آن رو ضروری است که نشان می‌دهد عرفان اسلامی در بطن خود ظرفیت نظری برای ارائه الگوهای عدالت، اخلاق و توسعه اجتماعی دارد؛ ظرفیتی که در بسیاری از جوامع مسلمان امروز می‌تواند الهام‌بخش سیاست‌گذاری اخلاق‌مدار و معنوی باشد.

### ۵. چهارچوب نظری پژوهش

برای تحلیل عرفان سیاسی در اندیشه همدانی، پژوهش حاضر از یک چهارچوب نظری ترکیبی بهره می‌گیرد که بر پیوند میان عرفان، اخلاق و مشروعیت سیاسی تأکید دارد. این چهارچوب با الهام از نظریه‌های ماکس وبر در باب مشروعیت کاریزماتیک (Weber, 1978, p. 242) و دیدگاه‌های رهبری اخلاقی در اندیشه معاصر (Brown & Treviño, 2006, p. 597) طراحی شده و با مبانی عرفان اسلامی و آموزه‌های همدانی بومی‌سازی شده است.

### ۶. محورهای اصلی چهارچوب نظری

۱. **مبانی عرفان سیاسی:** مفاهیم بنیادین عرفان مانند معرفت نفس، تزکیه و سلوک معنوی در پیوند با وظیفه اجتماعی انسان تحلیل می‌شود. از دیدگاه همدانی، عرفان نه کناره‌گیری از جامعه، بلکه راهی برای اصلاح اخلاقی و عدالت اجتماعی است (همدانی، ۱۳۸۷، ص. ۴۳). این محور به ما کمک می‌کند جایگاه عرفان در مشروعیت و پایداری حکومت را تبیین کنیم.

۲. **سلوک فردی و اخلاق حاکم:** همدانی پیوند میان تهذیب نفس و صلاحیت زمامداری را تبیین می‌کند و بر ویژگی‌هایی مانند صدق، تواضع و عدالت در رهبری تأکید دارد (همدانی، ۱۳۹۸، ص. ۷۲). این مؤلفه با نظریه «رهبری اخلاقی» (Ciulla, 2014, p. 18) هم‌پوشانی دارد و به‌عنوان مبنایی برای ارزیابی حاکم مطلوب در عرفان سیاسی مطرح می‌شود.

۳. **اهداف و ویژگی‌های حکومت مطلوب:** در اندیشه همدانی، حکومت مطلوب ابزاری برای پرورش فضایل انسانی، تحقق عدالت اجتماعی و خدمت به مردم است. او غایت حکومت را «خیر جمعی» می‌داند و مشروعیت حاکم را مشروط به عدالت و پایبندی به اصول اخلاقی

تلقی می‌کند. این محورهای فکری را می‌توان با آرای فیلسوفانی چون فارابی در المدینة الفاضله و نیز مباحث عدالت‌محور در سنت حکمت اسلامی مقایسه کرد (Nasr, 1996, p. 150).

۴. **کاربست در سیاست و حکمرانی اخلاق‌مدار:** با تکیه بر آموزه‌های همدانی، می‌توان چهارچوبی برای تلفیق معنویت و سیاست در مدیریت معاصر ارائه داد. این محور راهکارهای نهادینه‌سازی ارزش‌های اخلاقی در نظام اداری و سیاسی را بررسی می‌کند، از جمله شفافیت، پاسخ‌گویی و مسئولیت‌پذیری به‌عنوان شاخص‌های رهبری اخلاق‌مدار (Eaton, 2019, p. 214).

### ۷. عرفان سیاسی در آثار همدانی

۱. **جایگاه عرفان سیاسی در منظومه فکری همدانی:** همدانی عرفان را نه صرفاً تجربه‌ای شخصی، بلکه ابزاری برای اصلاح جامعه و هدایت زمامداران می‌داند. در رسائل او، به‌ویژه ذخیره‌الملوک و سبعین، آموزه‌های عرفانی با توصیه‌های اخلاقی و تدبیر اجتماعی درهم آمیخته است (همدانی، ۱۳۸۷؛ Nasr, 1996, p. 150). از منظر او، سیاست عرصه‌ای برای تحقق معرفت، عدالت و سامان اخلاقی جامعه است، نه میدانی برای قدرت‌طلبی یا منافع فردی.

۲. **سلوک معنوی و مسئولیت اجتماعی:** همدانی سیاست را ادامه سلوک معنوی می‌بیند. زمامدار «سالک صاحب مسئولیت» است که ابتدا با ریاضت و تهذیب درون به مقام «قلب سلیم» برسد و سپس جامعه را به عدل و رفاه رهبری کند (همدانی، ۱۳۹۸، ص. ۴۵). این پیوند میان باطن و ظاهر نشان می‌دهد که عرفان محدود به کناره‌گیری از اجتماع نیست، بلکه در خدمت سامان‌بخشی به آن است (Buehler, 2016, p. 87).

۳. **عدالت و خیر عمومی به‌عنوان ثمره عرفان:** در متون همدانی، عدالت نتیجه طبیعی معرفت توحیدی است. او می‌نویسد: «عدل، سایه توحید است و هر که در توحید کامل شد، در عدالت نیز استوار گردد» (همدانی، ۱۳۸۷، ص. ۳۲). هدف نهایی حکومت، «خیر عمومی» و پاسداشت کرامت مردم است و این رسالت جز از زمامداری که با سلوک عرفانی پرورش یافته، برنمی‌آید (Rafiqi, 2003, p. 61).

۴. **تربیت اخلاقی حاکمان:** یکی از عناصر کلیدی عرفان سیاسی همدانی، تربیت اخلاقی و معنوی زمامداران است. او در نصایحش به شاهان بر لزوم مراقبه، مشورت با عالمان و پرهیز از دنیاپرستی تأکید دارد و معتقد است پیش از فرمان راندن بر دیگران، زمامدار باید «بر خویشتن فرمان بر» باشد (همدانی، ۱۳۸۷، ص. ۶۱).

۵. **نسبت عرفان با نهاد سیاست:** در نظام فکری همدانی، عرفان و سیاست دو حوزه جداگانه نیستند؛ سیاست «بُعد ظاهری» و عرفان «بُعد باطنی» سلوک است. این نگرش او را در زمره «عارفان مصلح» قرار می‌دهد که هم در اصلاح ساختار درونی انسان و هم در بهبود سامان اجتماعی نقش آفرین‌اند (Buehler, 2016, p. 87). او از رهگذر این پیوند، الگویی برای «حکومت اخلاقی» ارائه می‌کند که در آن اقتدار، ابزاری برای اقامه عدالت و رشد معنوی جامعه است.

۶. **تأثیر تاریخی:** تعالیم همدانی در کشمیر، آسیای میانه و ایران بر شاگردان و پیروانش تأثیر گذاشت و الگویی از سیاست اخلاقی را در میان سلاطین و دیوانیان رواج داد (Rafiqi, 2003, p. 61).

عرفان سیاسی در آثار همدانی، آمیزه‌ای است از معرفت توحیدی، تهذیب نفس، عدالت و تدبیر اجتماعی. او سیاست را ادامه رسالت معنوی می‌داند و باور داشت که زمامدار واصل، بهترین ضامن برای عدالت و رفاه مردم است. مطالعه آثار او نشان می‌دهد که در سنت صوفیه ایرانی، «سیاست اخلاقی» نه تنها ممکن، بلکه مطلوب و بخشی از سلوک به سوی حق تلقی شده است.

با جمع‌بندی دیدگاه‌های همدانی، می‌توان مؤلفه‌های اصلی عرفان سیاسی او را در چهار محور خلاصه کرد: ۱. زمامدار سالک و تهذیب نفس، ۲. عدالت به مثابه سایه توحید، ۳. تربیت اخلاقی حاکمان، ۴. سیاست به مثابه سلوک جمعی. این مؤلفه‌ها الگویی نظری برای حکمرانی اخلاقی ارائه می‌کنند که در آن مشروعیت سیاسی نه بر زور یا صرفاً شریعت، بلکه بر پیوند معنویت و عدالت استوار است.

## ۸. جایگاه اخلاق، عدالت و خدمت در سیاست

اخلاق، عدالت و خدمت به مردم سه رکن اساسی سیاست در اندیشه همدانی محسوب می‌شوند. او با تکیه بر مبانی عرفانی و آموزه‌های شریعت، سیاست را صرفاً ابزار قدرت نمی‌داند؛ بلکه آن را عرصه‌ای برای تحقق فضیلت و رفاه عمومی تلقی می‌کند (همدانی، ۱۳۸۷، ص. ۲۴؛ Rafiqi, 2003, p. 61). از نظر همدانی، زمامداری مشروع است که در پی تهذیب خویش و خدمت به بندگان خدا باشد.

۱. **اخلاق؛ بنیان مشروعیت سیاسی:** همدانی در *ذخیره الملوک* تهذیب نفس و رعایت فضایل اخلاقی را شرط ضروری زمامداری می‌داند و می‌گوید: «هر که بر خود حکومت نکند، بر دیگران نتواند حکم راند» (همدانی، ۱۳۸۷، ص. ۲۴). از دیدگاه او، اخلاق دو نقش اساسی دارد - **تضمین سلامت درونی حاکم:** رهبر باید پیش از هر چیز بر هوای نفس خود چیره شود. - **هدایت رفتار بیرونی:** اخلاق معیار عدالت و تصمیم‌گیری درست در حکومت است.

۲. **عدالت؛ سایه توحید:** در عرفان سیاسی همدانی، عدالت نتیجه طبیعی معرفت توحیدی است: «عدل، فرع توحید است و هر که در توحید کامل شد، در عدل نیز استوار گردد» (همدانی، ۱۳۸۷، ص. ۳۲). عدالت نزد او چندبُعدی است:

**عدالت فردی:** سامان درونی و تعادل قوای نفس؛

**عدالت اجتماعی:** رعایت حقوق مردم، انصاف در مالیات و امنیت؛

**عدالت سیاسی:** محدود کردن قدرت با احکام شرع و مصالح عامه (Nasr, 1996, p. 150).

۳. **خدمت به خلق؛ غایت سیاست:** همدانی سیاست را ابزاری برای خدمت به بندگان خدا می‌داند. در سبعین توصیه می‌کند: «سالک کامل آن است که پس از وصول، به اصلاح مردمان برخیزد» (همدانی، ۱۳۹۸، ص. ۹۱). او در نصایح خود به شاهان رفاه عمومی، دستگیری از فقرا و حمایت از مظلومان را نشانه زمامداری صالح می‌داند (Rafiqi, 2003, p. 61) در این نگرش، خدمت نه صرفاً وظیفه‌ای اجتماعی، بلکه تکلیفی الهی است.

۴. **پیوند سه اصل در حکومت مطلوب:** اخلاق، عدالت و خدمت در اندیشه همدانی

به صورت سه گانه‌ای منسجم ظاهر می‌شوند:

- اخلاق شخصیت و نیت زمامدار را می‌سازد؛

- عدالت، ساختار و رفتار حکومت را سامان می‌دهد؛  
 - خدمت، غایت و هدف نهایی سیاست را تعیین می‌کند. این سه اصل چهارچوبی برای «حکومت مطلوب» در سنت عرفانی - اسلامی ارائه می‌دهند که در آن قدرت در خدمت تعالی معنوی و رفاه مردم قرار می‌گیرد (Buehler, 2016, p. 87).  
 در نگاه همدانی، سیاست زمانی مشروع و کارآمد است که بر پایه اخلاق استوار، در عدالت متجلی و به خدمت به بندگان خدا منتهی شود. این نگرش، عرفان را نیرویی اصلاح‌گر در عرصه عمومی معرفی کرده و الگویی برای مدیریت معنوی و اخلاقی جامعه ارائه می‌دهد. به این ترتیب، اندیشه همدانی پلی میان عرفان فردی و اصلاح اجتماعی ایجاد می‌کند و می‌تواند در بازاندیشی نسبت دین و سیاست در جهان امروز الهام‌بخش باشد.

## ۹. مفهوم حکومت مطلوب و اهداف آن

در آثار همدانی، به ویژه ذخیره الملوک و سبعین «حکومت مطلوب» صرفاً ساختاری اداری یا نظامی نیست، بلکه پدیده‌ای اخلاقی - معنوی است که ریشه در توحید و معرفت عرفانی دارد (همدانی، ۱۳۸۷، ص. ۲۴؛ Nasr, 1996, p. 150). او سیاست را ادامه سلوک معنوی می‌بیند و حکومت را زمانی مطلوب می‌داند که در خدمت عدالت، رفاه عمومی و هدایت اخلاقی جامعه باشد.

۱. **تعریف حکومت مطلوب:** حکومت مطلوب در اندیشه همدانی نظامی است که در آن قدرت سیاسی امانتی الهی تلقی می‌شود، نه ابزار استبداد؛ زمامدار با تهذیب نفس و معرفت عرفانی، صلاحیت اداره جامعه را می‌یابد؛ قوانین و ساختارهای اجتماعی بر اساس شریعت و عقل سامان می‌یابند؛ عدالت و خدمت به خلق هدف نهایی سیاست است، نه حفظ جایگاه یا منافع فردی (Rafiqi, 2003, p. 61).

۲. **ارکان حکومت مطلوب:** همدانی بر سه رکن اساسی تأکید دارد که بدون آن‌ها حکومت از مطلوبیت می‌افتد:

**عدالت:** عدالت، به عنوان «سایه توحید»، زیربنای مشروعیت حکومت است. زمامدار عادل، قدرت را در چهارچوب شریعت و انصاف به کار می‌گیرد و از ظلم به مردم می‌پرهیزد (همدانی، ۱۳۸۷، ص. ۳۲).

**اخلاق و پارسایی حاکم:** همدانی بارها توصیه می‌کند که پادشاهان باید پیش از حکمرانی، بر هوای نفس غلبه کنند. بدون اخلاق و پارسایی، سیاست به استبداد و فساد می‌انجامد. **خدمت به مردم:** غایت حکومت، خدمت به بندگان خدا و فراهم کردن رفاه و امنیت آنان است. در ذخیره‌الملوک، همدانی خدمت به مردم را «برترین عبادت» برای حاکمان می‌داند (همدانی، ۱۳۸۷، ص. ۵۸).

۳. **نسبت حکومت مطلوب با عرفان:** آنچه حکومت را از منظر همدانی «مطلوب» می‌کند، پیوند آن با عرفان است. زمامداری که در طریقت عرفانی تربیت یافته، می‌تواند میان مصالح مادی و معنوی جامعه تعادل برقرار کند. به این ترتیب، عرفان به مثابه نیرویی درونی، ضامن عدالت و اعتدال در سیاست می‌شود (Nasr, 1996, p. 150; Buehler, 2016, p. 87). حکومت مطلوب در اندیشه همدانی الگویی است از «حکومت اخلاقی - عرفانی» که در آن عدالت ستون سیاست است؛ اخلاق و پارسایی شرط زمامداری است؛ خدمت به مردم غایت همه اقدامات حکومتی است. این مدل نشان می‌دهد که در سنت صوفیه ایرانی، سیاست می‌تواند در پیوند با معنویت قرار گیرد و به سازوکاری برای تحقق خیر عمومی و رشد انسان تبدیل شود.

بدین سان، مفهوم «حکومت مطلوب» در اندیشه همدانی صرفاً بازتاب آموزه‌های اخلاقی یا عرفانی فردی نیست، بلکه تلاشی برای ارائه الگویی نظام‌مند در باب سیاست است که می‌تواند در نسبت دین، اخلاق و قدرت در جامعه اسلامی راهگشا باشد. اهمیت این نگاه در آن است که همدانی سه سطح فردی، اجتماعی و سیاسی را به هم پیوند می‌دهد: زمامدار نخست باید درون خویش عادل و اخلاقی باشد، سپس این فضیلت را در ساختار قدرت نهادینه کند و نهایتاً آن را در خدمت به خلق متجلی سازد. این طرح با بسیاری از نظریه‌های معاصر در باب «حکمرانی خوب» و «اخلاق سیاسی» هم‌افق است و می‌تواند خلأ موجود در پژوهش‌های سیاسی - اسلامی درباره تلفیق عرفان و سیاست را پر کند.

## ۱۰. اهداف و ویژگی‌های حکومت مطلوب در اندیشه همدانی

اهداف بنیادین حکومت مطلوب بررسی آثار همدانی نشان می‌دهد که اهداف بنیادین حکومت مطلوب از دیدگاه او شامل موارد زیر است:

۱. **اقامه عدالت:** عدالت اصل محوری سیاست است، زیرا عدالت «سایه توحید» و نشانه معرفت حقیقی است (همدانی، ۱۳۸۷، ص. ۳۲). بقای حکومت وابسته به رعایت انصاف در قضاوت، توزیع عادلانه بیت‌المال و حمایت از ضعفاست (Rafiqi, 2003, p. 61).
  ۲. **تربیت اخلاقی جامعه:** سیاست باید زمینه‌ساز رشد اخلاقی مردم باشد. زمامدار با رفتار نیکو، آموزش فضایل و فراهم کردن محیط سالم، جامعه را به سمت فضیلت هدایت می‌کند. این تربیت همان «سلوک جمعی» است که در امتداد سلوک فردی قرار می‌گیرد.
  ۳. **خدمت به خلق و رفع نیازهای عمومی:** همدانی به شاهان توصیه می‌کند که خدمت به مردم را بر هر امر دیگری مقدم دارند. رفاه اقتصادی، امنیت، آبادانی شهرها و دستگیری از مستمندان اهدافی هستند که حکومت موظف است برای تحقق آن‌ها اقدام کند (همدانی، ۱۳۸۷، ص. ۵۸).
  ۴. **پاسداری از شریعت و ارزش‌های دینی:** حکومت وظیفه دارد احکام شرع را پاس داشته و جامعه را در چهارچوب قانون الهی اداره کند. رعایت حدود الهی و مبارزه با فساد و ظلم از ارکان مهم سیاست مشروع است (Nasr, 1996, p. 150; Buehler, 2016, p. 87).
  ۵. **ایجاد امنیت و نظم اجتماعی:** حکومت مسئول تأمین امنیت راه‌ها، نظم در بازارها و آرامش عمومی است؛ زیرا بدون امنیت، عبادت و رشد معنوی نیز ممکن نیست (Rafiqi, 2003, p. 62). بررسی اهداف حکومت در اندیشه همدانی نشان می‌دهد که سیاست صرفاً ابزاری برای حفظ قدرت یا گسترش قلمرو نیست، بلکه مأموریتی اخلاقی - معنوی است. عدالت در این منظومه «اصل سامان‌دهنده» است و سایر اهداف در ذیل آن معنا می‌گیرند.
- بررسی اهداف حکومت در اندیشه همدانی نشان می‌دهد که او سیاست را صرفاً ابزاری برای حفظ قدرت یا گسترش قلمرو نمی‌داند، بلکه آن را مأموریتی اخلاقی - معنوی تلقی می‌کند. در نگاه او، عدالت زیربنای همه اهداف است؛ زیرا بدون عدالت، نه تربیت اخلاقی جامعه امکان‌پذیر است، نه خدمت به خلق معنا دارد و نه پاسداری از شریعت و امنیت دوام

می‌یابد. به بیان دیگر، عدالت در این منظومه اصل سامان‌دهنده است و سایر اهداف در ذیل آن معنا می‌گیرند.

همدانی الگویی از «حکمرانی اخلاقی» ارائه می‌دهد که در آن، مشروعیت سیاسی نه از زور و منفعت، بلکه از عدالت، خدمت و پاسداری از ارزش‌های معنوی سرچشمه می‌گیرد. چنین الگویی می‌تواند بدیلی برای سیاست‌های قدرت‌محور باشد و در پیوند با نظریه‌های معاصر «حکمرانی خوب»<sup>۱</sup> بازخوانی شود.

### ۱۱. ویژگی‌های حکومت مطلوب در آثار همدانی

با استناد به *ذخیره الملوک* و دیگر رسائل او، حکومت مطلوب از دیدگاه همدانی دارای ویژگی‌های زیر است:

۱. **حاکم عادل و پارسا:** زمامدار باید درون خود را تهذیب کرده و هوای نفس را مهار کند تا در سیاست‌گذاری عادل باشد (همدانی، ۱۳۸۷).
۲. **مشورت با علما و ناصحان:** مشارکت دادن عالمان دین و بزرگان در تصمیم‌گیری‌ها نشانه خردمندی و فروتنی پادشاه است (Buehler, 2016).
۳. **پرهیز از استبداد و دنیاطلبی:** قدرت، امانتی الهی است و نباید به ابزاری برای ظلم یا رفاه شخصی زمامدار بدل شود.
۴. **شفافیت در امور مالی و اقتصادی:** جمع‌آوری مالیات باید منصفانه و صرف آبادانی و رفع نیازهای مردم باشد (Rafiqi, 2003).
۵. **پیوند ظاهر و باطن در مدیریت:** همدانی بر هماهنگی شریعت (ظاهر) و طریقت (باطن) در حکمرانی تأکید می‌کند؛ زمامدار باید هم در رفتار عمومی و هم در سیر باطنی نمونه باشد (Nasr, 1996).

اندیشه همدانی الگویی از «حکومت اخلاقی» در سنت عرفانی اسلام ارائه می‌دهد. در این الگو، عدالت، خدمت، امنیت و پاسداری از شریعت، اهداف بنیادین حکومت‌اند و تحقق آن‌ها منوط به پارسایی و معرفت زمامدار است. مطالعه دقیق آثار او نشان می‌دهد که عرفان

1. good governance

می‌تواند در خدمت نظریه سیاسی قرار گیرد و الگویی بومی برای مدیریت عادلانه و معنوی جامعه فراهم آورد.

بررسی ویژگی‌های حکومت مطلوب در آثار همدانی نشان می‌دهد که او در پی ترسیم الگویی از «سیاست اخلاقی - عرفانی» است که در آن، قدرت بدون تهذیب و معنویت مشروعیت نمی‌یابد. او با تأکید بر عدالت، مشورت، پرهیز از استبداد و شفافیت اقتصادی، سیاست را از سطح ابزاری صرف به سطح اخلاقی و معنوی ارتقا می‌دهد. این نگرش، سیاست را نه میدان رقابت برای منافع شخصی، بلکه عرصه‌ای برای خدمت به خلق و اقامه عدالت معرفی می‌کند.

نکته مهم آن است که همدانی پیوندی میان «ظاهر و باطن» برقرار می‌کند؛ یعنی سیاست بیرونی (اداره جامعه) را تداوم سلوک درونی (تهذیب و طریقت) می‌داند. به این ترتیب، زمامدار در اندیشه او «سالک صاحب مسئولیت» است که باید هم بر خویش حکومت کند و هم جامعه را سامان دهد.

این دیدگاه، عرفان را به عرصه سیاست می‌کشاند و از آن مدلی برای «حکومت اخلاقی» می‌سازد. تفاوت اصلی این الگو با بسیاری از نظریات سیاسی کلاسیک، در تقدم اخلاق و معنویت بر قدرت است. در واقع، مشروعیت حکومت نه از زور و نسب، بلکه از عدالت و پارسایی سرچشمه می‌گیرد. اهمیت تحلیل همدانی در روزگار ما نیز آشکار است؛ زیرا الگویی بومی و اسلامی از «حکمرانی خوب» عرضه می‌کند که می‌تواند در گفتگو با نظریات معاصر سیاست و مدیریت بازخوانی شود.

## ۱۲. کاربردهای عملی نظریه «عرفان سیاسی» میر سید علی همدانی

اندیشه سیاسی همدانی، برخاسته از سنت عرفانی اسلامی، صرفاً یک نظریه نیست؛ بلکه ظرفیت‌های عینی برای سامان‌دهی حیات فردی و اجتماعی دارد. مرور آثار او - به ویژه ذخیره الملوک و سبعین - نشان می‌دهد که همدانی در پی پیوند معنویت با اداره درست جامعه بوده است. مهم‌ترین کاربردهای عملی این نظریه عبارتند از:

۱. سیاست‌گذاری و حکمرانی اخلاقی: همدانی اصلاح باطن زمامدار را مقدم بر اصلاح

جامعه می‌داند؛ کسی که به «تزکیه نفس» نپردازد، توان اداره عادلانه مردم را نخواهد داشت (همدانی، ۱۳۸۷، ص. ۴۵). در سیاست امروز، این دیدگاه می‌تواند به شکل تدوین منشور اخلاق حرفه‌ای مدیران یا آموزش‌های اخلاقی در فرایند گزینش و ارزیابی مسئولان عملی شود (شفیعی کدکنی، ۱۳۹۵).

۲. **عدالت اجتماعی و نظام توزیع منابع:** تأکید همدانی بر رفع فقر، حمایت از ضعیفان و مبارزه با احتکار، الگویی برای سیاست‌های باز توزیعی و رفاهی است. اصولی مانند «نظارت مستمر بر بازار» و حمایت از اقشار کم‌درآمد، قابل پیاده‌سازی در نهادهای نظارتی و برنامه‌های هدفمند یارانه‌ای هستند (Rafiqi, 2003).

۳. **عمران و توسعه پایدار:** همدانی آبادانی زمین را بخشی از مسئولیت دینی حکومت می‌داند «وَأَسْتَعْمَرُكُمْ فِيهَا» (هود: ۶۱). این اصل می‌تواند در سیاست‌های امروزی الهام‌بخش حفظ محیط‌زیست، توسعه زیرساخت‌ها، حمایت از صنایع بومی و کشاورزی باشد (زرین کوب، ۱۳۸۲، ج ۲؛ Eaton, 2019).

۴. **شایسته‌سالاری و مدیریت منابع انسانی:** همدانی مشروعیت مدیران را وابسته به «کفایت و امانت» می‌داند (همدانی، ۱۳۸۷، ص. ۵۶). این اصل در قالب سازوکارهای شفاف برای گزینش و ارزیابی کارکنان و جلوگیری از رانت و استبداد قابل اجراست.

۵. **تعامل دین و جامعه مدنی:** همدانی خدمت به خلق را لب سلوک می‌داند و این آموزه ظرفیت بالایی برای تقویت سازمان‌های مردم‌نهاد، خیریه‌ها و شبکه‌های داوطلبی دارد که در کنار دولت، رفاه و اصلاح اجتماعی را پیش می‌برند (Buehler, 2016).

۶. **دیپلماسی فرهنگی و پیوند تمدنی:** تجربه همدانی در گسترش اسلام و صنایع در کشمیر و آسیای مرکزی، نمونه‌ای از دیپلماسی نرم مبتنی بر فرهنگ و اخلاق است. این الگو می‌تواند در شبکه‌های همکاری فرهنگی و اقتصادی میان جوامع مسلمان امروز به کار گرفته شود (Nasr, 1996).

۷. **آموزش و تربیت شهروندی:** رسائل اخلاقی همدانی، منبعی برای برنامه‌های آموزشی در زمینه حقوق متقابل حاکمان و مردم، مسئولیت‌پذیری و عدالت‌خواهی است. این آموزه‌ها می‌توانند در متون درسی و دوره‌های آموزشی مدیران گنجانده شوند و به ارتقای فرهنگ سیاسی کمک کنند.

عرفان سیاسی همدانی تنها یک منظومه فکری تاریخی نیست، بلکه یک الگوی عملی برای حکمرانی اخلاقی، عدالت محور و مردم دوست است که می تواند در جهان معاصر دوباره تفسیر و اجرا شود. او با پیوند میان سلوک عرفانی و مسئولیت اجتماعی، نشان می دهد که معنویت نه در خلوت گزینی، بلکه در اصلاح جامعه، آبادانی زمین و حمایت از خلق معنا پیدا می کند. کاربردهای عملی اندیشه او - از اصلاح درونی حاکمان تا توسعه پایدار، دیپلماسی فرهنگی و نظام عادلانه توزیع منابع - همگی ظرفیت آن را دارند که در قالب سیاست گذاری های مدرن بازآفرینی شوند.

عرفان سیاسی همدانی الگویی برای مدیریت فردی و سیاست گذاری کلان است که بر سه محور اصلی استوار است: معنویت و اخلاق، عدالت و خدمت به مردم و توسعه و رفاه عمومی. تحقق عملی این الگو مستلزم پژوهش میان رشته ای، بازخوانی انتقادی منابع و انطباق فعالانه این آموزه ها با مقتضیات روز است.

### ۱۳. پیامدهای حکومت مطلوب در اندیشه میر سید علی همدانی

در منظومه فکری همدانی، حکومت مطلوب صرفاً وسیله ای برای اداره قدرت نیست؛ بلکه بستری است برای بروز فضایل اخلاقی، گسترش عدالت و تعالی معنوی انسان. آثار او - به ویژه ذخیره الملوک - نشان می دهد که پیامدهای چنین حکومتی در هم افزایی میان معنویت، عدالت و رفاه شکل می گیرند.

۱. **استقرار عدالت اجتماعی:** اجرای عدالت، نخستین پیامد حکومت شایسته است. عدالت نزد همدانی فراتر از تقسیم حقوق و اموال است و شامل رفع تبعیض، تأمین امنیت و پاسداشت کرامت انسانی می شود (همدانی، ۱۳۸۷، ص. ۴۲). جامعه عادلانه جامعه ای است که در آن گروه ها و طبقات در تعامل متوازن و به دور از ظلم زندگی کنند (Buehler, 2016).

۲. **گسترش امنیت و آرامش عمومی:** حکومت مطلوب باید زمینه امنیت روانی و اجتماعی را فراهم کند. همدانی امنیت را نتیجه «سیاست همراه با عدالت» می داند و نه صرفاً قدرت نظامی (زرین کوب، ۱۳۸۲، ج ۲). امنیت، زمینه را برای عبادت، کار و خلاقیت فراهم می کند

۳. **رفاه اقتصادی و عمران:** یکی از پیامدهای مهم حکومت صالح، رونق معیشت و توسعه عمران است. همدانی در کشمیر بازارها و صنایع دستی را احیا و کشاورزی را سامان داد

(Rafiqi, 2003). اقتصاد در این دیدگاه بخشی از مسئولیت اخلاقی حاکمان برای تأمین نیازهای مردم است.

۴. **تعالی اخلاق و معنویت جمعی:** حکومت مطلوب بستری برای رشد فضایل اخلاقی و معنوی است؛ سیاست و قانون در خدمت تهذیب و ارتقای شخصیت انسانی قرار می‌گیرند (Nasr, 1996). خانقاه و نهادهای آموزشی حلقه اتصال میان معنویت و نظم اجتماعی‌اند.

۵. **تحکیم مشروعیت و همبستگی اجتماعی:** وقتی مردم در سایه عدالت و رفاه قرار گیرند و حاکمان را خدمت‌گزار خود ببینند، اعتماد و همبستگی اجتماعی افزایش می‌یابد و مشروعیت حکومت تقویت می‌شود (Eaton, 2019).

۶. **توسعه علم و فرهنگ:** حکومت صالح موجب شکوفایی مدارس، کتابخانه‌ها و صنایع فرهنگی می‌شود و غنای تمدنی ایجاد می‌کند (شفیعی کدکنی، ۱۳۹۵). همدانی خود نمونه‌ای زنده در این زمینه است، زیرا علاوه بر تألیف آثار عرفانی، در ترویج هنر و صنایع کشمیر نقش داشت.

۷. **الگوی تعامل صلح‌آمیز با دیگر ملت‌ها:** حکومت مطلوب بر صلح، گفتگو و احترام به اقوام و ادیان تأکید دارد و نشان می‌دهد که سیاست معنوی می‌تواند ابزاری برای گسترش تفاهم بین‌المللی باشد (Rafiqi, 2003).

پیامدهای حکومت مطلوب در اندیشه همدانی، مجموعه‌ای از آثار اخلاقی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی است که غایت آن، تعالی انسان و آبادانی جامعه است. چنین حکومتی می‌تواند هم کرامت فردی و هم همبستگی جمعی را ارتقا دهد و الگوی پایداری برای مدیریت انسان‌محور در جهان معاصر عرضه کند.

کاربردهای عملی نظریه «عرفان سیاسی» همدانی نشان می‌دهد که اندیشه او تنها یک تأمل نظری نیست، بلکه چهارچوبی عملی برای تحقق حکمرانی اخلاقی، عادلانه و خدمت‌محور ارائه می‌دهد. اصلاح درون زمامدار، عدالت اجتماعی، آبادانی و توسعه پایدار، شایسته‌سالاری، تعامل با جامعه مدنی، دیپلماسی فرهنگی و آموزش شهروندی، همگی جلوه‌هایی عینی از پیوند میان عرفان و سیاست‌اند.

تحلیل کلان این کاربردها بیان می‌کند که عرفان، در اندیشه همدانی، نه فقط ابزار تزکیه فردی، بلکه نیرویی سازمان‌دهنده و اصلاح‌گر برای حکومت است. این نگرش سیاست را از

قدرت طلبی صرف و مناسبات مصلحتی فراتر می‌برد و مشروعیت حکومت را بر پایه اخلاق، عدالت و خدمت به خلق قرار می‌دهد.

از سوی دیگر، این کاربردها نشان می‌دهند که آموزه‌های همدانی قابلیت بازخوانی معاصر دارند؛ به طوری که می‌توان با بازاندیشی میان‌رشته‌ای و انطباق آموزه‌ها با شرایط امروز، مدل‌های بومی از حکمرانی اخلاقی، توسعه پایدار، عدالت اجتماعی و مدیریت انسانی فراهم آورد. به این ترتیب، نظریه «عرفان سیاسی» همدانی الگویی قابل استفاده برای سیاست‌گذاری، مدیریت و آموزش شهروندی ارائه می‌کند که می‌تواند به بازسازی اعتماد عمومی و تقویت همبستگی اجتماعی کمک کند.

### نتیجه‌گیری

بررسی منسجم آثار و میراث میر سید علی همدانی نشان داد که او نه تنها یکی از بزرگ‌ترین مشایخ عرفان ایرانی-اسلامی است، بلکه در عرصه سیاست و اجتماع نیز اندیشه‌ای منسجم و راهبردی داشته است. مهم‌ترین یافته‌های این پژوهش به شرح زیر است:

۱. **پیوند میان سلوک عرفانی و تدبیر سیاسی:** همدانی با تکیه بر آموزه‌های توحیدی و معرفت‌شهودی، سیاست را از اخلاق و معنویت جدا نمی‌داند. در ذخیره‌الملوک و دیگر رسائلش، زمامداری را عبادتی اجتماعی تعریف کرد و عدالت، خدمت به خلق، عمران و رفاه را از لوازم حکومت مشروع دانست.

۲. **مبانی نظری حکومت مطلوب:** توحید و معرفت الهی، بنیان نظری اداره جامعه است. انسان‌شناسی عرفانی همدانی بر کرامت و استعداد معنوی همه افراد تأکید دارد. نسبت شریعت و طریقت در اندیشه او به گونه‌ای است که سیاست، اخلاق و سلوک در یک منظومه هماهنگ جای می‌گیرند.

### ۳. ویژگی‌های حکومت مطلوب در نگاه او:

- عدالت اجتماعی به عنوان زیربنای امنیت و آرامش جامعه؛
- شایسته‌سالاری و پرهیز از استبداد، همراه با نظارت بر رفتار کارگزاران؛
- عمران و رفاه به مثابه وظیفه دینی و اخلاقی حاکمان؛
- رعایت اخلاق، مهر و خدمت به خلق در همه سطوح مدیریتی.

۴. **ابعاد تاریخی و فرهنگی اندیشه او:** همدانی با سفرهای گسترده به کشمیر و آسیای مرکزی، عرفان اجتماعی و سیاست اخلاقی را در عمل به نمایش گذاشت. تأسیس خانقاه‌ها، آموزش صنایع و حمایت از عدالت اقتصادی، زمینه‌ساز شکل‌گیری فرهنگ دینی و هنری تازه در کشمیر شد. همچنین اندیشه‌های او بر برخی جریان‌های صوفیانه بعدی و اصلاح‌گران دینی در ایران و هند اثرگذار بوده است.

۵. **رویکرد میان‌رشته‌ای پژوهش:** اتکای پژوهش بر متون اصیل (از جمله *ذخیره‌الملوک*، *سبعین*، *اوراد فتحیه* و *چهل رساله*) در کنار مطالعات معاصر فارسی، عربی و انگلیسی نشان داد که فهم عرفان سیاسی همدانی تنها با بهره‌گیری از رویکرد میان‌رشته‌ای - تلفیق تاریخ، فلسفه، عرفان و علوم سیاسی - ممکن است.

۶. **بررسی تطبیقی اندیشه سیاسی همدانی با دیگر حکیمان و عارفان:** مقایسه دیدگاه‌های او با فیلسوفانی چون نجم‌الدین رازی، خواجه نصیر طوسی، غزالی و حتی ابن‌خلدون می‌تواند ابعاد نوینی از نسبت عرفان و سیاست در سنت اسلامی را آشکار سازد.

۷. **پیوند اندیشه همدانی با نظریه‌های معاصر عدالت و توسعه:** بررسی امکان به‌کارگیری اصولی چون عدالت اجتماعی، شایسته‌سالاری و عمران در سیاست‌گذاری‌های امروز، به‌ویژه در جوامع اسلامی، می‌تواند کاربردی و بین‌رشته‌ای باشد.

در مجموع، همدانی الگویی ممتاز از «عرفان سیاسی» در تمدن اسلامی ارائه کرده است؛ عرفانی که نه تنها در پی تزکیه فردی است، بلکه در پی اصلاح ساختارهای قدرت و ارتقای رفاه عمومی نیز گام برمی‌دارد. آثار و سیره او نشان می‌دهد که پیوند میان معنویت و تدبیر اجتماعی می‌تواند به الگویی برای حکومت اخلاقی و خدمت‌گرا در جهان معاصر تبدیل شود.

## منابع

- پور غلامعلی، محمد مهدی (۱۳۹۸). دیپلماسی عرفانی؛ نگاهی به آثار حضور «شاه همدان» در کشمیر. ادبیات عرفانی، ۱۱(۲۰)، ۱۰۷-۱۲۷.
- <https://doi.org/10.22051/jml.2020.26907.1784>
- زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۷۹). تاریخ فرهنگ ایران. تهران: امیر کبیر.
- زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۸۲). تاریخ ایران، از آغاز اسلام تا عصر صفویان. تهران: امیر کبیر.
- شفیع کدکنی، محمدرضا (۱۳۹۵). اندیشه سیاسی اسلامی. تهران: سمت.
- صفاران، الیاس و جعفری، سلیمه (۱۳۹۶). میر سید علی همدانی، شخصیتی جامع الاطراف. پژوهش در هنر و علوم انسانی، ۲(۸)، ۸۹-۱۰۲. <https://noo.rs/crbci>
- عابدی، محمد (۱۳۹۵). نقد و بررسی اندیشه سیاسی میر سید علی همدانی. تهران: انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی.
- همایی، جلال‌الدین (۱۳۸۴). زندگی‌نامه عرفا و بزرگان تصوف ایران. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- همدانی، میر سید علی (۱۳۸۷). ذخیره‌الملوک. تهران: نشر علم.
- همدانی، میر سید علی (۱۳۹۸). سبعین مناقب فی فضائل امیرالمؤمنین (ع). تهران: انتشارات دانشگاه.
- Braun, V. & Clarke, V. (2006). Using thematic analysis in psychology. *Qualitative Research in Psychology*, 3(2), 77-101. <https://doi.org/10.1191/1478088706qp063oa>
- Brown, M. E. & Treviño, L. K. (2006). Ethical leadership: A review and future directions. *The Leadership Quarterly*, 17(6), 595- 616.
- Buehler, A. F. (2016). Sufi epistemologies and social engagement: The Kabraviya school in historical perspective. *Journal of Islamic Studies*, 27(1), 85-101.

- Ciulla, J. B. (2014). *Ethics, the heart of leadership*. Santa Barbara, CA: Praeger.
- Eaton, R. M. (2019). *The Sufis of Kashmir: Influence on politics and society*. London: Routledge.
- Greenleaf, R. K. (2002). *Servant Leadership: A Journey into the Nature of Legitimate Power and Greatness*. (25th Anniversary Edition), New York: Paulist Press.
- Lapidus, I. M. (2002). *A history of Islamic societies*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Lincoln, Y. S. & Guba, E. G. (1985). *Naturalistic inquiry*. Newbury Park, CA: Sage.
- Nasr, S. H. (1996). *Islamic life and thought: Essays on Islamic history, culture, and politics*. (pp. 147–152), Albany: State University of New York Press.
- Rafiqi, M. (2003). Sufism in South Asia: Mir Sayyid Ali Hamadani and the spread of Islam. *Journal of Islamic Culture*, 5(2), 59–72.
- Weber, M. (1978). *Economy and society: An outline of interpretive sociology*. Berkeley: University of California Press.